



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه باقر العلوم (ع)

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

عقل و وحی در حکمت متعالیه

صدر المتألهین

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد واعظی

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

نگارش و پژوهش:

افتخاری وسفی روشناوند

بهار 1387



تقدیم به ساحت مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تبلور عقل و وحی
رحمة للعالمین!

اکنون که آنچه بر قلب شریف وحی شده پس از گذشت بیش از چهارده قرن، بر تارک
جهان همچون خورشیدی نورانی می درخشد و نه فقط مسلمانان که تمام حقیقت طلبان را
نیز راهنمایی می کند و عقل را به تحیر واداشته است، با عنایت حضرت دوست؛ آنچه را که
او خود توفیقم بخشید، با دیده ای گریان و دستانی لرزان به ساحت قدسیات تقدیم می دارم.
با این امید که خود یاریگرم باشی.

﴿ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضَّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ
وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴾

تشکر و قدردانی

قال علی بن الحسین(ع):

«اشکرکم لله اشکرکم للناس»

سپاس بی منتها صاحب عز و جلال را که الطاف بی کرانش را در به پایان رساندن این رساله بر من گستراند و توفیقات روزافزون را شامل حالم نمود و تقدیر و تشکر از تمامی اساتید و بزرگوارانی که مرا در این امر یاری نمودند، خصوصاً از استاد راهنما ریاست محترم دانشگاه جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر واعظی و استاد مشاور جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر گرجیان که زحمات فراوانی را در این مسیر متحمل شده اند و بی شک اگر راهنمایی های مشفقانه آنها نبود هرگز این رساله به نتیجه مطلوب نمی رسید.

در پایان برخود لازم می دانم از پدر و مادر عزیزم که چون شمع سوختند تا چراغ دین و دانش را فرا روی فرزندان شان روشن کنند و همچنین خواهر گرامیم که از راهنمایی های او بهره بردم، تشکر و سپاسگزاری کنم.

از خداوند متعال برای همه آنها سعادت دنیا و آخرت، سلامتی و شادکامی را خواستارم.

چکیده:

عقل و وحی دو منبع مهم معرفتی انسان است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. صدرالمتألهین فیلسوف نامدار مسلمانی است که در حکمت متعالیه خویش توجهی اساسی به این دو منبع معرفتی داشته است. این نوشتار نگاهی است گذرا به عقل و وحی و رابطه این دو از بعد هستی شناختی و معرفت شناختی.

در حکمت متعالیه صدرالمتألهین واژه عقل در دو معنا به کار می‌رود. یکی جوهر بسیط و مستقلی است که هم در ذات و هم در فعلش بی نیاز از ماده است و متعلق به عالمی مافوق عالم ماده و مثال است. و دیگری مرتبه عالیۀ نفس است که در مراحل رشد عقلانی به نام های عقل هیولانی، بالملکه، بالفعل و مستفاد به کار می‌رود.

از منظر صدرالمتألهین تعقل که از ویژگی های منحصر به فرد انسان است، عبارت است از صعود نفس انسانی از این عالم به عالم مجردات و دریافت حقایق نوریه از عقل فعال.

وحی ارتباط خاص و ویژه رسول خداوند است با عالم ملکوت و مافوق. ارتباطی که بواسطه آن نبی بر حقایق هستی آگاه می‌شود و بعد آن حقایق را به مردم انتقال می‌دهد. از منظر صدرالمتألهین نبی که واجد عقل قدسی یا قوه قدسیه است، در فرآیند دریافت وحی سیر صعودی طی کرده و با عالم عقول متحد می‌شود و در آنجا حقایق معقول را به نحو علم حضوری به دور از هر خطا و اشتباهی از عقل فعال یا فرشته وحی، دریافت می‌کند و البته در مرتبه‌ای بالاتر نبی می‌تواند به مقام ربوبی بار یابد و بدون هیچ واسطه‌ای حتی فرشته وحی، حقایق هستی را شهود کند. در مرحله بعد حقایق معقول یک سیر نزولی را طی می‌کنند، در این بار نبی در عالم مثال تجلی می‌کند و تمثیل آن حقایق در علم مثال به وجود عینی و خارجی شأن توسط قوه خیال نبی درک می‌شود. پس از آن، قوای حس باطنی نبی نیز از این دریافت وحی متأثر شده و آن حضرت کلماتی را می‌بیند و آوایی را می‌شنود. این کلمات و الفاظ بدون کمترین تحریف و یا اشتباهی، همان آیات نورانی قرآن است که کتاب خداست و اکنون در دست ماست و نبی در مرتبه اول حقیقت معقول آنها را شهود کرده بود.

به اعتقاد صدرالمتألهین وحی، با لایه های بالاتر عقل که همان عقل قدسی است، اتحاد دارد و از آنجا که عقل و وحی دو حجت خدا بر زمین هستند و کتاب تدوین دقیقاً منطبق بر کتاب تکوین است، اساساً امکان تعارض و یا عدم هماهنگی بین آن دو کاملاً منتفی است. وحی یاور عقل است و عقل مؤید وحی. از همین روست که او هم خود در آثار فلسفی اش، از هر دو منبع شناخت بهره می‌گیرد و هم دیگران را به بهره گیری از معقول و منقول و پرواز با دو بال عقل و وحی فرا می‌خواند.

نگاهی بر آثار فلسفی او مؤید خوبی است بر ادعای هماهنگی این دو. چرا که در اکثر موارد پس از اثبات مطلبی بواسطه استدلالات عقلی و براهین فلسفی، به آیات نورانی قرآن هم تمسک می‌کند و با استشهاد به آیات و روایات همان مطلب را به بیان دیگر ثابت می‌کند. و گاه داده‌های وحیانی را حد وسط

استدلال خویش قرار می‌دهد.

او که در علوم منقول نیز، همچون علوم معقول، صاحب نظر است، و همچنانکه فیلسوفی نوآور است، مفسری بزرگ هم هست، در پرداختن به تفسیر علوم معقول را فراموش نکرده و در جای جای کتب تفسیری اش، حضور فلسفه و حکمت متعالیه‌اش را به بهترین نحو متجلی می‌سازد، لذا به ادنی مناسبت بحث را به قاعده فلسفی می‌کشاند و با رعایت اصول تأویل، از معانی باطنی قرآن پرده برداشته و بار دیگر همنوایی و همراهی وحی و عقل را به نحوی زیبا به تصویر می‌کشد.

کلید واژه‌ها: عقل، عقل فعال، عقل قدسی، وحی، حکمت متعالیه، صدر المتألهین.

فهرست مطالب

5	<u>فصل اول: کلیات</u>
6	<u>1- بیان مسأله</u>
6	<u>2- ضرورت و اهمیت موضوع</u>
7	<u>3- سوال اصلی و سوالات فرعی پژوهش</u>
7	<u>4- فرضیه های پژوهش</u>
8	<u>5- پیشینه تحقیق</u>
8	<u>6- پیش فرضهای پژوهش</u>
8	<u>7- اهداف پژوهش</u>
9	<u>8- عقل و وحی در آینه واژگان</u>
9	<u>1-8 عقل در لغت</u>
9	<u>2-8 عقل در اصطلاح فلسفه</u>
9	<u>3-8 عقل در فلسفه صدرالمتألهین</u>
12	<u>4-8 وحی در لغت</u>
12	<u>5-8 وحی در اصطلاح</u>

فصل دوم: عقل در فلسفه صدرالمتألهین

گفتار اول: مبانی هستی شناختی و معرفت شناختی مسأله

1- تقسیم عالم به عالم عقل و مثال و ماده:

1-1 عالم عقل:

2-1 عالم مثال:

3-1 عالم ماده:

2- تقسیم ادراکات انسان به ادراک حسی، خیالی و عقلی:

1-2 بیان حواس انسان:

2-2 ادراک حسی:

3-2 تبیین ادراک خیالی:

4-2 تبیین ادراک عقلی:

5-2 تکامل انسان بواسطه ادراک:

گفتار دوم: رابطه عالم عقل با عقل انسانی:

1- مراتب عقل:

1-1 مراتب عقل نظری:

- Error! Bookmark not defined..... 2-1 مراتب عقل عملی:
- Error! Bookmark not defined..... 2- اتحاد عقل و عاقل و معقول:
- Error! Bookmark not defined..... 1-2 بیان مطلب:
- Error! Bookmark not defined..... 2-2 استدلال بر اتحاد:
- Error! Bookmark not defined..... 2-3 معرفت محصولی از کسب علم و طهارت نفس:
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. گفتار سوم: فروعات مسأله:
- Error! Bookmark not defined..... 1- علم حضوری و علم حصولی:
- Error! Bookmark not defined..... 2- راز خطاناپذیری معلومات حضوری:
- Error! Bookmark not defined..... 3- محدودیت های عقل انسانی:
- Error! Bookmark not defined..... 4- مروری بر اصول معرفت شناسی ملاصدرا:
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. فصل سوم: نگاهی به وحی در حکمت متعالیه صدرالمتألهین
DEFINED.
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. گفتار اول: جستاری در نظریات موجود راجع به وحی:
- Error! Bookmark not defined..... 1- وحی در نگاه اندیشمندان غرب
- Error! Bookmark not defined..... 1-1 وحی زبانی و ارتباط پیام رسانی خداوند
- Error! Bookmark not defined..... 2-1 وحی به معنی تجلی خداوند در حضرت مسیح
- Error! Bookmark not defined..... 3-1 وحی نفسی
- Error! Bookmark not defined..... 4-1 تجربه دینی
- Error! Bookmark not defined..... 2- وحی از دیدگاه متکلمین
- Error! Bookmark not defined..... 3- وحی از منظر فیلسوفان مسلمان
- Error! Bookmark not defined..... 1-3 فارابی
- Error! Bookmark not defined..... 2-3 بوعلی سینا
- Error! Bookmark not defined..... 3-3 شیخ اشراق
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. گفتار دوم: دیدگاه صدرا راجع به چیستی وحی
- Error! Bookmark not defined..... 1- ضرورت وحی از منظر ملاصدرا
- Error! Bookmark not defined..... 2- رؤیای صادق و مشابهت آن با وحی
- Error! Bookmark not defined..... 3- تبیین ماهوی و معرفت شناختی وحی
- Error! Bookmark not defined..... 4- مراتب وحی
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. گفتار سوم: تبیین کیفیت تلقی وحی
- Error! Bookmark not defined..... 1- مبانی هستی شناختی و معرفت شناختی مسأله
- Error! Bookmark not defined..... 1-1 مراتب هستی
- Error! Bookmark not defined..... 2-1 حرکت جوهری

1-3- ماهیت نفس انسان و سیر تکاملی آن

1-4- کون جامع و انسان کامل در نظام تجلی و ظهور:

1-5- اقسام ادراکات آدمی

2- کیفیت تلقی وحی

گفتار چهارم: فروعاً مسأله

1- خطاناپذیری وحی

2- تفاوت نظر مشائین با ملاصدرا در باب وحی:

3- اتصال نبی به عقل فعال حقیقتی دائمی

فصل چهارم: رابطه عقل و وحی در حکمت متعالیه صدرالمتهین
DEFINED.

گفتار اول: دیدگاههای مختلف راجع به رابطه عقل و وحی:

1- دیدگاه خردگرایان افراطی:

1-1- بیان دیدگاه:

1-2- ارزیابی عقل گرایی افراطی

2- دیدگاه ایمان گرایی:

2-1- تبیین دیدگاه:

2-2- نقد ایمان گرایی افراطی:

3- تفکیک حوزه علم و دین:

3-1- تفکیک زبان ها

3-2- تفکیک قلمروها:

3-3- نقد دیدگاه تفکیک قلمروها:

3-4- مکتب تفکیک خراسان:

3-5- نقد مکتب تفکیک:

گفتار دوم: نسبت میان عقل و وحی در فلسفه صدرالمتهین:

1- نسبت هستی شناختی دو منبع معرفتی:

2- نسبت معرفت شناختی دو منبع معرفتی:

2-1- رابطه گزاره های عقلانی و وحیانی در مقام تصور:

2-1-1- تبیین مفهومی گزاره های عقلانی و وحیانی

2-1-2- شرط تعارض یا هماهنگی:

2-1-3- تفکیک بین اصل وحی و معنای مستفاد از ظاهر آیات:

defined.

2-1-4- تقسیم معارف عقلانی و وحیانی به معارف قطعی و ظنی:

not defined.

Error! Bookmark not defined...... 2-1-5 تبیین فروض مختلف:

Error! Bookmark not defined...... 2-2 هماهنگی یا تعارض بین گزاره های عقلانی و وحیانی: ...

Error! Bookmark not defined...... 2-3 نقش عقل در بعد معرفت شناختی و هستی شناختی دین:

Error! Bookmark not defined...... 3- جایگاه تأویل در بحث رابطه عقل و وحی:

Error! Bookmark not defined...... 3-1 حقیقت ماورائی قرآن و ضرورت تأویل:

Error! Bookmark not defined...... 3-2 تأویل از منظر ملاصدرا:

Error! Bookmark not defined...... 3-3 اصول تأویل از منظر ملاصدرا:

Error! Bookmark not defined...... 3-4 نقش تأویل از منظر صدرالمتهلین و تفاوت آن با ابن رشد:

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... گفتار سوم: شواهدی از آثار صدرا بر هماهنگی این دو منبع شناخت

Error! Bookmark not defined...... 1- مبانی فلسفی صدرا بر هماهنگی این دو منبع:

Error! Bookmark not defined...... 2- معارف وحیانی حد وسط براهین عقلی:

Error! Bookmark not defined...... 2-1 اثبات واجب الوجود

Error! Bookmark not defined...... 2-2 تبیین قاعده بسیط الحقیقه

Error! Bookmark not defined...... 2-3 معرفت خداوند و صفات او

Error! Bookmark not defined...... 2-4 حرکت جوهری

Error! Bookmark not defined...... 2-5 تجرد نفس

Error! Bookmark not defined...... 2-6 بقای نفس

Error! Bookmark not defined...... 2-7 معاد جسمانی

Error! Bookmark not defined...... 3- بهره گیری از مبانی و قواعد فلسفی در کتب تفسیری ملاصدرا

Error! Bookmark not defined...... 3-1 اصالت وجود و اعتباریت ماهیت

Error! Bookmark not defined...... 3-2 مناط نیاز به علت

Error! Bookmark not defined...... 3-3 امتناع تخلف معلول از علت حقیقی

Error! Bookmark not defined...... 3-4 اثبات واجب تعالی

Error! Bookmark not defined...... 3-5 علم باری تعالی

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... جمع بندی و نتیجه گیری

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... فهرست منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات

1- بیان مسأله

عقل و وحی دو منبع مهم شناخت هستند، که هر کدام، حقایق از عالم هستی را برای انسان هویدا می‌کند. عقل فصل امتیاز انسان از سایر حیوانات و حجت الهی است که از او تعبیر به پیامبر درونی می‌شود. و وحی پیامی الهی و حقیقتی آسمانی است که توسط پیامبر بیرونی به مردم ابلاغ می‌شود.

در این تحقیق برآنیم تا چیستی عقل و وحی را در فلسفه صدرالمآلهین دریابیم و جایگاه هر کدام را در نظام هستی‌شناسی او مشخص نمائیم و بررسی کنیم عقل انسانی در کدامیک از عوالم هستی، جای دارد و سیر حرکت او از کجا آغاز و به کجا می‌انجامد؟

همچنین بررسی کنیم که، وحی در فلسفه ملاصدرا چه ماهیتی دارد؟ و تلقی وحی به چه صورت است؟ دریافت‌کننده وحی چه نسبتی با عالم عقول دارد؟ و در چه مرتبه‌ای از مراتب عقل واقع شده است؟ و آیا لایه‌های عمیق‌تر و برتر عقل با وحی وحدت دارد؟

پس از آن به بررسی این نکته می‌پردازیم که قلمرو هریک چه مسائلی است و عقل و وحی تا چه حد می‌توانند حقایق هستی را برای آدمیان آشکار کنند و تا چه میزان می‌توان به رهیافت‌های آنها اعتماد کرد. معارف حاصل از هریک نسبت به معارف دیگری، در چه جایگاهی قرار دارند؟ و اساساً آیا بین این دو دسته معارف تعارضی هست یا خیر؟ و اگر تعارضی هست کدامیک مقدم است و با معرفت حاصل از دیگری چه باید کرد؟

2- ضرورت و اهمیت موضوع

بحث رویارویی عقل و وحی و معارف آنها در میان اندیشمندان و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به طوری که مروری اجمالی بر دیدگاه دانشمندان غربی و مسلمانان و موضع‌گیریهای مختلف و تا حد زیادی متفاوت آنها، می‌تواند اهمیت و جایگاه این بحث را روشن کند.

این بحث در میان فیلسوفان و اندیشمندان غرب سالهاست که مطرح بوده، و در میان مسلمانان هم - گرچه با این عنوان خاص (عقل و وحی) به تازگی مطرح شده است - اما اندیشمندان مسلمان از دیرباز به این موضوع پرداخته‌اند. عرفا، متکلمین، مفسرین، فقها و اصولیون و اخباریون هریک به تناسب مباحث خود وارد این وادی شده و به بحث و بررسی موضوع پرداخته‌اند. و صد البته از آنجا که معرفت‌شناسی یکی از مباحث مهم فلسفه است و از آنجا که فلسفه اسلامی هم از آبشخور عقل و هم از سرچشمه وحی بهره می‌گیرد، نظر فیلسوفان مسلمان از اهمیت خاصی برخوردار است.

در میان مکاتب فلسفی، حکمت متعالیه صدرالمآلهین درخشش منحصر به فردی را داراست. ملاصدرا فیلسوف توانمندی است که با تلفیق منابع مختلف معرفتی و برهم زدن چارچوب‌های قبلی، مکتبی نو در فلسفه اسلامی

ارائه داده است. وی توانست حکمت متعالیه خویش را تجلی گاه هم آغوشی و همدلی قرآن و برهان کند و با بهره گیری از خرمن دینی زوایای تاریک اندیشه فلسفی را روشن کند و همینطور با توجه به حقایق فلسفی فهمی دقیق تر از دین ارائه دهد. به همین جهت برآن شدیم که با بررسی جنبه هستی شناختی عقل و وحی در فلسفه او، پاسخ او را از جهت نسبت معرفت شناختی این دو منبع دریابیم و رابطه معارف عقلانی و وحیانی را از دید او به تصویر بکشانیم.

عدم وجود تألیفی در مورد اندیشه بزرگترین فیلسوف متأله مسلمان صدرالمتألهین (رحمه الله) در این محور خاص انگیزه ای شد مزید بر علت فوق برای انتخاب این موضوع.

3- سؤال اصلی و سؤالات فرعی پژوهش

سؤال اصلی: عقل و وحی در فلسفه صدرالمتألهین چه ارتباط وجودی با هم دارند؟ به عنوان دو منبع اصلی معرفت دینی چه نسبتی باهم دارند و یافته های این دو چگونه با هم هماهنگ می شود؟
سؤالات فرعی:

عقل چیست و ادراکات عقلی آدمی بر چند قسم است؟

عقل و معقول چه ارتباطی با هم دارند؟

وحی چیست؟

پیامبر چگونه وحی را دریافت می کند؟

آیا می توان لایه های عمیق تر و برتر عقل را با وحی متحد دانست؟

قوه خیال نبی چه نقشی در محتوای وحی دارد؟

آیا عقل در بعد هستی شناختی دین ایفای نقش می کند یا آن که فقط منبع معرفت شناختی دین است؟ به

عبارت دیگر آیا عقل می تواند به عنوان حاکم وارد شده و چیزی را بر مجموعه دین بیافزاید؟

آیا تعارض عقل و وحی امکان پذیر است؟ و در ظرف تعارض چه باید کرد؟

4- فرضیه های پژوهش

1- در حکمت متعالیه صدرالمتألهین در فرآیند دریافت وحی، نبی سیر صعودی را طی کرده و به عقل فعال متصل می شود.

2- در فلسفه صدرالمتألهین، بین داده های وحیانی و عقلانی تعارضی مستقر و غیر قابل حل نیست و این دو با هم متلائم و هماهنگ هستند.

5- پیشینه تحقیق

بحث عقل و وحی با توجه به اهمیت خاصی که دارد از دیرباز بین اندیشمندان مختلف مطرح بوده است و تألیفات متعددی راجع به این موضوع وجود دارد. از جمله علم و دین تألیف ایان باربود و عقل و ایمان تألیف آلون پلانینجا، عقل و وحی در قرون وسطی تألیف آتین ژیلسون و ... در حوزه فلسفه اسلامی هم اخیراً چند کتاب در این موضوع تألیف شده از جمله عقل و وحی تألیف آقایان حسن یوسفیان و احمد حسین شریفی و علم، عقلانیت و دین تألیف امیرعباس علی زمانی.

اما موضوع عقل و وحی در اندیشه صدرالمتهلین بر اساس فحص و استفسار نگارنده هیچ کتاب مستقلی ندارد. بلکه حتی کتابهایی هم که به بررسی نظام فلسفی ملاصدرا پرداخته‌اند، توجه خاصی به این مبحث نداشته‌اند. مقاله ای بسیار مختصر تحت عنوان عقل و وحی از دیدگاه صدرالمتهلین در اولین همایش جهانی صدرا، تألیف احمد حسین شریفی وجود دارد که در چند صفحه و به اجمال به این بحث پرداخته است. و همچنین مقاله ای با عنوان تلفیق میان شریعت و حکمت در حکمت متعالیه صدرایی تألیف نصرالله شاملی است که در واقع تأملی است در حکمت متعالیه در پاسخ به هیوم راجع به جداسازی جهانی بینی و ایدئولوژی که در عین تشابه اسمی ربطی به بحث مورد نظر ما ندارد.

6- پیش فرضهای پژوهش

حقیقی در عالم خارج وجود دارد که قابل شناسایی است.
عقل یکی از منابع شناخت آدمی است که می‌تواند به واقعیت دست یابد.
وحی نیز یکی از منابع شناخت است و راه به حقیقت دارد.

7- اهداف پژوهش

رابطه عقل و وحی، یکی از مسائل مهمی است که از دیرباز، ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است و در قالب تعبیری چون عقل و وحی، فلسفه و دین و علم و دین و ... مطرح شده است.
با توجه به اهمیت رابطه معارف عقلانی و وحیانی و با توجه به درخشندگی خاص حکمت متعالیه در میان مکاتب فلسفی مختلف، در این پژوهش برآنیم تا ضمن بررسی عقل و وحی از بعد هستی شناختی به بررسی این دو منبع معرفتی پرداخته و رابطه معارف عقلانی و وحیانی را بررسی کرده و هماهنگی یا عدم هماهنگی این دو را در مکتب به تصویر بکشیم.

8- عقل و وحی در آینه واژگان

8-1 عقل در لغت

عقل در اصل لغت به معنی بستن و نگه داشتن است. عقل البعیر به این معناست که زانوی شتر را بست.¹ و اعتقل لسانه یعنی زبانش از سخن گفتن بازماند.² در دعای صباح منسوب به امیرالمؤمنین علی(ع) نیز عقل به همین معنا به کار رفته است آنجا که می‌فرماید: الهی هذه ازمة نفسی عقلتها بعقال مشیتک،³ معبودا زمام نفس خویش را به پای بند مشیت تو بستم. عقل در لغت به معنای خرد، اندیشه، دریافت اشیاء از حسن و قبح، کمال و نقصان، خیر و شر و ... می‌باشد.⁴ همچنین به معنای مرکز یا قوه ادراک⁵ و یا ادراک اشیا بر وجه حقیقتی آنها⁶ آمده است. برخی هم عقل را به معنی علم گرفته‌اند.⁷

8-2 عقل در اصطلاح فلسفه

کلمه عقل در دو مورد مشخص در فلسفه به کار برده شده است یکی عقل به معنای جوهر مستقل بالذات و بالفعل که اساس و پایه جهان ماوراء الطبیعت و عالم روحانیت است. در تعریف آن گویند: هر جوهر مجرد مستقل ذاتاً و فعلاً، عقل است. معنای دیگر آن نفس است که در مراحل رشد عقلانی به نام هایی مانند عقل بالقوه، بالملکه، بالفعل و بالمستفاد خوانده می‌شود.⁸

8-3 عقل در فلسفه صدرالمتألهین

صدرالمتألهین معانی متفاوتی را نقل می‌کند که واژه عقل در آنها به نحو اشتراک لفظی به کار رفته است. قوه ای که وجه تمیز انسان از بهائم است و همه انسان‌ها در دارا بودن آن قوه مشترکند. عقلی که متکلمین می‌گویند و مرادشان همان مشهورات است که بین اکثر مردم مشترک است.

- 1 - مصطفی ابراهیم و دیگران، معجم الوسیط، تهران، ناصرخسرو، ذیل ماده عقل.
- 2 - اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین، ذیل ماده عقل.
- 3 - شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص 83.
- 4 - علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1343، ذیل ماده عقل.
- 5 - انطوان الیاس، القاموس العصری، فرهنگ نوین، ترجمه سید مصطفی طباطبایی، تهران: کتابفروشی چاپخانه اسلامی، ذیل ماده عقل.
- 6 - مصطفی ابراهیم، و دیگران، معجم الوسیط، ذیل ماده عقل.
- 7 - خلیل بن احمد فراهید، العین، قم، منشورات دارالهجره، ذیل ماده عقل، محب الدین فیض سید محمد مرتضی حسینی الواسطی الزبیدی، تاج العروس، بیروت: التراث العربی، ذیل ماده عقل.
- 8 - سید جعفر سجادی، فرهنگ و اصطلاحات فلسفی صدر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، 1379، ص 236.

عقلی که در مباحث اخلاق به کار می‌رود و عقل عملی نام دارد.

به زیرکی و فطانتی که شخص در فهم سریع مطالب داشته باشد هم مردم عقل می‌گویند. گرچه این زیرکی در امور دنیایی و در اغواهای شیطانی نفس اماره باشد.

عقلی که در کتاب نفس آمده و درجات نفس ناطقه با توجه به میزان معقولاتش که به عقل بالقوه، بالملکه، بالفعل و مستفاد تقسیم می‌شود مربوط به همین معناست.

عقل به معنی جوهر مجردی که در ذات و فعل مجرد است و هیچ تعلقی به ماده ندارد.⁹

فصل ممیز انسان از حیوان، قوه تفکر و نیروی عقل است. رمز و راز انسانیت انسان در این است که او موجودی عقلانی است و نیروی عقل خود را در زندگی اش به کار می‌گیرد و اراده اش در پرتو راهنمایی عقل شکل می‌گیرد. یعنی اگر تلاشهای عقلانی را از حیاتش جدا سازیم، حیوانی بیش نیست و تمام حرکات و سکناتش از همان غرایز حیوانی سرچشمه می‌گیرد.

عقل در اصطلاح علوم مختلف، معانی متفاوتی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.¹⁰

عقل ابزاری: جهت گیری اصلی عقلانیت ابزاری تسلط آدمی بر طبیعت است. تکنولوژی، صنعت و بوروکراسی از آثار و نتایج غلبه این معنای عقلانیت شمرده شده است.

عقل متافیزیکی: به شناسایی احکام اصل هستی می‌پردازد. کاوش در مسائل فلسفی و هستی‌شناختی از وظایف اوست.

عقل نظری: درباره هستی‌هایی سخن می‌گوید که خارج از اراده انسان تحقق دارند که اعم از متافیزیکی و غیرمتافیزیکی است. شناخت مسائل فیزیکی و ریاضی برعهده این عقل است و عقل ابزاری زیر پوشش این عقل قرار می‌گیرد.

عقل عملی: هستی‌هایی که بر اساس اراده انسان تکوین می‌یابند.

عقل مفهومی: معنایی اعم از آگاهی و دانش، عقل نظری و عقل عملی دارد که با وساطت مفاهیم ذهنی به شناخت موضوعات محل بحث خود می‌پردازد. مباحث معرفت‌شناختی، متوجه ارزش جهان‌شناختی این عقل است.

عقل شهودی: بدون وساطت مفاهیم ذهنی، به شهود حقایق کلی نایل می‌شود که به یک اعتبار در مقابل عقل مفهومی است و به اعتباری در قبال شهودهای حسی دون عقلی و یا شهودهای عرفانی فراعقلی است.

9 - ملاصدرا، شرح اصول کافی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1367، ج 1، ص 222-226، و همو: اسفار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1410ق، ج 3 مصر 14-513 (تلخیص).

10 - حمید پارسانیا، مقاله از عقل قدسی تا عقل ابزاری، مجله علوم سیاسی، ش 19، سال 1381، ص 16-17.

عقل قدسی: نوع متعالی عقل شهودی است. صاحب عقل قدسی از ارتباطی مستقیم و حضوری با حقایق عقلی بهره مند است و حقایق را به طور مستقیم می یابد. حکماء مشاء عقل قدسی را عقل مستفاد می دانند و در تعبیر دینی روح القدس، جبرئیل و فرشته الهی است. در تعبیر فلسفی موجود مجرد غیرمادی را عقل فعال نیز می نامند. عقل کلی: به معنای کلی سعی و کلی مفهومی است کلی سعی ناظر بر احاطه و شمول وجودی یک حقیقت است مانند نفس آدمی که در همه مراتب بدن حضور دارد و مقید به هیچ یک از آنها نیست. کلی مفهومی مفاهیم گسترده، ذهنی است که بر مصادیق متعدد حمل می شود و مرادف عقل مفهومی است.

عقل جزئی: در قبال عقل کلی مفهومی است. مدرکات آن اضافه به امور جزئی و محسوس دارد که به آن وهم نیز می گویند. در عقل ابزاری از عقل جزئی استفاده می شود.

طبق آنچه بیان شد روشن می شود که واژه عقل، معانی متفاوتی دارد و مشترک لفظی است که لازم است مراد از آن را روشن سازیم. آنچه در این رساله بیشتر مدنظر است، دو معنی است، یکی همان جوهر بسیط مجردی که در نظام هستی شناسی، بعد از واجب الوجود، بالاترین مرتبه را دارد. عقل به این معنا در بحث فرآیند ادراک انسان موثر است. در مباحث آینده خواهد آمد که قسمتی از ادراک انسان تعقل است که در این ادراک، نفس انسان مراحل صعودی را طی می کند. و با اتصال به عقل فعال که آخرین مرتبه از مراتب عقول مجرد است، حقایق عقلانی را درک می کند.

همچنین در مبحث تقسیم معلومات به حصولی و حضوری و تبیین خطاناپذیری علم حضوری، اتحاد عقل و عاقل و معقول از عقل با این معنایش بهره می گیریم.

علاوه بر آن، در فرآیند تلقی وحی توسط نبی بیان خواهد شد که نبی در مرتبه ای از مراتب وحی، به عقل فعال متصل شده و حقایق و حیانی را از آنجا دریافت می کند.

معنای دوم عقل به معنای قوه نفس انسانی است که بواسطه آن مجهولات برای او معلوم شده و به حقایق هستی پی می برد، در این معنا بیشتر تکیه بر معارفی است که مورد تعقل آگاهی قرار گرفته است و به عبارت دیگر مصدر به معنای اسم مفعول به کار رفته است در واقع در بعد معرفت شناختی به بررسی معارف عقلانی و رابطه آنها با معارف و حیانی می پردازیم. مرادمان از معارف عقلانی، معارفی است که از راههای مختلفی چون حس و تجربه و یا تفکر و استدلال برای بشر حاصل می شود.

بنابراین مجموع علوم و معارفی که انسان با قدرت عقلی خود کسب می کند، چه علمی که از راه مشاهده و آزمایش حاصل می گردد و چه علمی که نتیجه استدلال و برهان هستند، همه داخل در بحثند.

گرچه گاهی عقل معنای خاص تری می یابد و در مقابل علوم تجربی و نقلی قرار می گیرد. و علم عقلی همان فلسفه می شود، اما مراد ما در این رساله معنای عام تر عقل است که همه علوم و معارف انسانی جز معرفت حاصل

از وحی و کشف و شهود، مصداق آن خواهند بود.

8-4 وحی در لغت

راغب می نویسد:

«وحی به معنای اشاره سریع است و چون در معنای آن سرعت اخذ شده می گویند، امر وحی. وحی گاهی با کلام رمز انجام می گیرد و گاهی با صدای بدون ترکیب و گاهی با اشاره بعضی از اعضای بدن و گاهی نوشتن.¹¹»

ابن فارس می گوید:

«از لحاظ اشتقاق لغوی، ماده وحی دلالت بر القاء و تفهیم یک نوع آگاهی بخشی نهانی دارد. از این رو وحی، به معنی اشاره، نگارش و کتابت هر گونه مطلبی است که به دیگری تفهیم می سازیم. هر معنای دیگری که در باب واژه وحی، مطرح گشته همه به همین مفهوم اصلی برمی گردد.»¹²

معانی متعددی برای وحی گفته شده از جمله اشاره، الهام و دردل افکندن، نوشتن رسالت و پیام، تفهیم و القای پنهانی. آنچه که در معانی مختلف وحی مشترک انسان همان تفهیم و القای سریع و نهانی است به طوری که از دیگران مخفی بماند.

8-5 وحی در اصطلاح

وحی در اصطلاح عبارت است از ارتباط خاص خداوند با پیامبرانش و القای حقایقی به آنها از طریق پنهانی. اگرچه در معنای لغوی وحی، شرط نیست که وحی کننده چه کسی باشد و می تواند خدا، فرشته، انسان، جن و یا شیطان باشد، و همچنین درگیرنده وحی شرط نیست که چه کسی باشد، همانگونه که در قرآن در آیاتی القا کننده وحی شیاطین و جنیان معرفی شده اند که به دوستان خود وحی می کنند،¹³ اما در اصطلاح، وحی تنها پیام خداوند متعال است که به پیامبر خود القاء می کند. خواه در این القاء ملکی واسطه باشد یا اینکه واسطه ای در کار نباشد.

علامه طباطبایی در تعریف وحی می فرماید:

«وحی، شعور و درک ویژه ای است در باطن پیامبران که درک آن جز برای آحادی از انسانها که مشمول

عنایات الهی قرار گرفته اند میسر نیست.»¹⁴

11 - محمدبن راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن؛ دفتر نشر الكتاب، 1404 ق، ذیل ماده وحی.

12 - احمدابن فارس؛ مقائیس اللغة، قم، مکتبه الاعلام اسلامی، 1404 ق، ذیل ماده وحی.

13 - سوره انعام، آیه 121، و 112.

14 - سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج 2، ص 159.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

و در جای دیگری می فرماید:

«وحی یک نوع تعلیم آسمانی است که از راه حس و تفکر عقلی درک نمی شود، بلکه درک و شعور دیگری است که گاهی از برخی از افراد به مشیت الهی پیدا می شود و دستورات غیبی را که از حس و عقل پنهان است، از وحی و تعلیم خدایی دریافت می کند.»¹⁵

در فلسفه صدرالمتألهین هم وحی به همین معناست. تبیین کیفیت وحی و ماهیت آن را به آینده موکول می کنیم. صدرالمتألهین وحی را نوعی حصول علوم در باطن بدون اکتساب و تعلم می داند. منتها آگاهی که فرد به سبب مفید این علم، اطلاع دارد و ملک ملهم این علوم را می بیند و حقایق را از او کسب می کند. او معتقد است که دریافت وحی اختصاص به انبیاء دارد و آگاهیهای غیراکتسابی دیگران الهام نام دارد.¹⁶

15 - همو؛ قرآن در اسلام، ص 125.

16 - ملاصدرا: مبدأ و معاد، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران، 1354؛ ص 484 و همو؛ الشواهد الربوبیه، ص 441، قم بوستان کتاب، 1381، (اقتباس).